

دکتر متیو اس. هارمون، فیلیپیان: در انجیل عیسی مسیح شاد باشید،

جلسه ۱۲: نصایح پایانی در انجیل - فیلیپیان ۴: ۱-۹

نوشته تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالات فیلیپیان، با عنوان «در انجیل عیسی مسیح شاد باشید». این جلسه ۱۲، نصایح پایانی در انجیل، فیلیپیان ۴: ۱-۹ است.

به جلسه ۱۲ در مطالعه فیلیپیان خوش آمدید.

عنوان این بخش «نصیحت‌های پایانی برای زندگی بر اساس انجیل» است و ما فصل چهارم، آیات چهارم تا نهم را پوشش خواهیم داد. قبل از اینکه به آن متن پردازیم، مروری خواهیم داشت و به خودمان یادآوری می‌کنیم که در بخش قبلی کجا بودیم. بنابراین در فصل ۳، آیه ۱۵، تا فصل ۴، آیه ۳، پولس از فیلیپیان خواست تا از او و همکارانش تقلید کنند و زندگی خود را بر اساس الگوی خودشان از طرز فکر مسیح‌گونه، الگو قرار دهند.

و آن بخش نه تنها شامل آن دعوت به تقلید بود، بلکه هشدار در مورد این دشمنان صلیب مسیح بود که تهدیدی برای فیلیپیان بودند. و با این حال، برخلاف آنها، پولس به مؤمنان یادآوری می‌کند که شهروندی ما در بهشت است و ما منتظر یک نجات‌دهنده از آنجا هستیم. سپس آن بخش با به کارگیری آن حقایق و فراخواندن دو زن در جماعت فیلیپی به آشتی، حل اختلافشان و تشویق دیگران به مشارکت در صورت لزوم برای تحقق این امر، به پایان می‌رسد.

و بنابراین بخشی که قرار است در این جلسه به آن پردازیم، پاراگراف آغازین نتیجه‌گیری نهایی نامه است. بنابراین ما بدنه نامه را تمام کرده‌ایم و اکنون به نتیجه‌گیری نامه می‌پردازیم. بنابراین قبل از اینکه متن را بخوانیم، می‌خواهم خلاصه‌ای از چگونگی تطابق این نتیجه‌گیری با هم ارائه دهم.

و من این بخش آخر را «رشد و سپاسگزاری در انجیل» نامگذاری کرده‌ام. و متنی که در این جلسه به آن خواهیم پرداخت، نصایح پایانی در انجیل است که پس از آن، سپاسگزاری برای مشارکت در انجیل و در نهایت، درودهای پایانی در انجیل آمده است. پس بیایید اکنون به سراغ نصایح پایانی در انجیل برویم.

و من از فیلیپیان فصل ۴، از آیه ۴ شروع می‌کنم و تا آیه ۹ ادامه می‌دهم:

همیشه در خداوند شاد باشید. باز هم می‌گویم، شاد باشید. بگذارید عقلانیت شما برای همه آشکار باشد. خداوند در دسترس است. نگران هیچ چیز نباشید، بلکه در همه چیز با دعا و تضرع، با شکرگزاری، درخواست‌های خود را به خدا ابراز کنید. و آرامش خدا که فراتر از همه عقل است، قلب‌ها و ذهن‌های شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد.

در پایان، برادران، هر آنچه حقیقت دارد، هر آنچه شریف است، هر آنچه عادلانه است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست‌داشتنی است، هر آنچه ستودنی است، اگر فضیلتی هست، اگر چیزی شایسته ستایش است، در مورد این چیزها فکر کنید. آنچه در من آموخته‌اید و دریافت کرده‌اید و شنیده‌اید و دیده‌اید. این چیزها را به کار بندید، و خدای آرامش با شما خواهد بود.

بنابراین پولس این بخش را با دعوت دیگری به شادی آغاز می‌کند. شاید به یاد داشته باشید که در فصل ۳، آیه ۱، او گفت، سرانجام، برادران من، در خداوند شاد باشید. شاید فکر کرده باشید که اوه، او دارد به پایان می‌رسد.

و در واقع، او هنوز دو فصل دیگر داشت. اما در آنجا همچنین گفت، نوشتن همین مطالب برای شما برای من زحمتی ندارد و برای شما بی‌خطر است. و بنابراین او بدون عذرخواهی در انتهای نامه برمی‌گردد و به فیلیپیان دستور می‌دهد که شاد باشند.

حال آنچه که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که هدف شادی ما خود خداوند است. و بنابراین فکر می‌کنم این به ما کمک می‌کند تا کمی از زمینه یا معنای واقعی وقتی پولس می‌گوید همیشه در خداوند شاد باشید را درک کنیم. باز هم می‌گوییم شاد باشید؛ این به ما کمک می‌کند تا ببینیم که منبع شادی ما شرایط ما نیست. و بنابراین، صرف نظر از شرایط، و البته با در نظر گرفتن اینکه شرایط پولس این است که او در رم در بازداشت خانگی است و منتظر جلسه محاکمه است تا بشنود که آیا به دلیل اعلام انجیل تبرئه یا اعدام خواهد شد یا خیر.

و با این حال او می‌گوید که ما به عنوان مؤمنان باید همیشه در خداوند شاد باشیم. و از آنجا که خداوند تغییر نمی‌کند این یک نقطه ثابت، یک لنگر محکم برای شادی ماست، به طوری که شادی ما حرکت نکند و بر اساس شن‌های روان شرایط ما نباشد. بنابراین هدف شادی ما خداوند است.

پولس می‌گوید، زمان شادی ما فقط زمانی است که شما چنین احساسی دارید. صبر کنید، ببخشید، من حتماً آیه را اشتباه خوانده‌ام. می‌گوید همیشه، درست است؟ می‌گوید همیشه، ما باید همیشه در خداوند شاد باشیم، صرف نظر از شرایط، صرف نظر از آنچه اتفاق می‌افتد، ما باید همیشه در خداوند شاد باشیم.

و باز هم، اگر شرایط پولس را در نظر بگیرید، در اینجا او در موقعیتی قرار دارد که شرایطش مطابق میلش نیست. و در آخر، باید تشخیص دهیم که شادی و غم یا اندوه یا سایر احساسات یا تجربیات دردناک، متقابلاً منحصر به فرد نیستند. اینکه مثل یک کلید روشن و خاموش نیست که یا شاد باشید یا غمگین، یا شاد باشید یا غمگین.

و من فکر می‌کنم این یادآوری مفیدی برای ماست که شادی حتی در بحبوحه غم و اندوه بزرگ می‌تواند یک تجربه عمیق باشد. اینکه ما می‌توانیم در خداوند، در مورد اینکه او کیست و چه کاری برای ما انجام داده است، شاد باشیم، و در عین حال به نوعی در غم و اندوه ناشی از شرایط خاص، در مورد از دست دادن یک عزیز یا سایر سناریوهایی که ممکن است با آنها روبرو شویم، غرق شویم. بنابراین، این ایده شاد بودن در خداوند همیشه، یک دستور سهل‌انگارانه نیست که پولس از کسی که فقط زندگی راحت و آسوده‌ای دارد، می‌دهد.

و این به آن قدرت و قوت بیشتری می‌دهد وقتی که خود پولس می‌گوید، همیشه در خداوند شاد باشید. حال در آیه ۵ آنچه می‌بینید این است که پولس به سراغ فرمان بعدی می‌رود. کل این بخش حس یک سری فرمان را دارد که به سرعت در حال تکرار هستند.

و در آیه ۵، پولس می‌نویسد، بگذارید معقولیت شما بر همه آشکار شود. حداقل نسخه استاندارد انگلیسی آن را اینگونه ترجمه می‌کند. ترجمه‌های دیگر آن را چیزی شبیه به ملایمت ترجمه می‌کنند.

BDAG و بنابراین خود کلمه این حس را دارد که بر هر حقی که در متن قانون یا عرف آمده اصرار ندارد. این از واژگان معقولیت دارند، و اگر اینطور باشد، تمرکز بر متعادل بودن است، نه، ESV است. و بنابراین برخی ترجمه‌ها، مانند تحت تأثیر احساسات قرار گرفتن، بلکه متعادل بودن.

و استاندارد جدید آمریکایی، ملایمت یا روحیه ملایم را در بر دارند. بنابراین آنها آن را NIV ترجمه‌های دیگر مانند اینگونه ترجمه می‌کنند، بگذارید ملایمت شما برای همه شناخته شده باشد. و اگر چنین باشد، به خلق و خوبی اشاره دارد که به دنبال رفع اختلاف و ایجاد آشتی است.

و من می‌توانم بگویم که این موضوع در اینجا با توجه به این زمینه منطقی به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه پولس به تازگی دو زن در جماعت، افودیه و سینتیخی، را به توافق در خداوند ترغیب کرده و از سایر افراد جماعت خواسته است که به آنها بپیوندند و به آنها در رسیدن به آشتی کمک کنند. به نظر می‌رسد که این موضوع در اینجا منطقی باشد. قابل توجه است که همین کلمه در اول تیموتائوس فصل ۳ آیه ۳ به عنوان الزامی برای بزرگان کلیسا استفاده شده است.

و بنابراین چیزی است که پولس می‌گوید باید به همه نشان داده شود. نه فقط افرادی که مهربان بودن با آنها را آسان می‌کنند، بلکه همه. و دوباره توجه کنید که چقدر این را در ابتدای نامه دیدیم، چقدر پولس چیزهایی مانند همه و همه می‌گوید.

او سعی دارد در این دستورات جامع باشد. و بنابراین در قسمت آخر آیه ۵ ریشه دارد، که یک سوال تفسیری نیز پیرامون آن وجود دارد. متن می‌گوید، خداوند در دسترس است، یا خداوند نزدیک است.

. و بنابراین بحثی وجود دارد. آیا این اشاره به یک مرجع زمانی دارد؟ بازگشت خداوند نزدیک است. او نزدیک است.

خیلی زود اتفاق خواهد افتاد. و بنابراین شما باید با ملایمت مشخص شوید. یا همین عبارت می‌تواند به نوعی ایده مکانی اشاره داشته باشد که خداوند در کنار شما حضور دارد.

می‌گوید. و صادقانه بگویم، هر دو معنا ESV او با توست. و بنابراین، تو باید مهربان یا معقول باشی، شاید همانطور که درست است.

و ممکن است این نمونه‌ای از ابهام عمدی باشد. می‌دانید، گاهی اوقات وقتی متن را تفسیر می‌کنیم، سعی می‌کنیم خیلی دقیق شویم که مثلاً باید این یا آن معنی را بدهد. و گاهی اوقات فراموش می‌کنیم که در گفتار روزمره، می‌توانیم از زبانی با ابهام عمدی برای انتقال بیش از یک ایده در یک لحظه معین استفاده کنیم.

بنابراین صرف نظر از این، ایده اینجا این است که نزدیکی خداوند، حضور او در میان ما، یا این واقعیت که او به زودی باز خواهد گشت، باید انگیزه‌ای برای ما باشد که با ملایمت مشخص شویم. و من فکر می‌کنم این شاید الزام یک ویژگی شخصیتی باشد که شاید به اندازه کافی در مورد آن فکر نمی‌کنیم. زیرا ما در زمان و عصری زندگی می‌کنیم که اغلب اوقات این تأکید را داریم که شاید اظهارات جسورانه‌ای داشته باشیم و در مورد ادعاهایی که می‌خواهیم مطرح کنیم یا مواضعی که می‌گیریم، دراماتیک باشیم.

با یقین قاطع و جسارت مشخص شویم، اما می‌توانیم ملایمتی در خود داشته باشیم که به تکمیل آن جسارت و آن اعتقاد راسخ کمک کند. خوب، حالا آیه ۶. به متنی می‌رسیم که شاید یکی از آشناترین متون در کتاب فیلیپیان باشد جایی که پولس می‌نویسد: و بنابراین وقتی در مورد این متن تأمل می‌کنید، احتمالاً به یاد آنچه خود عیسی در متی فصل ۶ می‌گوید می‌افتید، جایی که او در مورد درمان یا پادزهر اضطراب صحبت می‌کند، اینکه نگران نباشید که چه خواهید خورد یا چه خواهید نوشید یا چه خواهید پوشید، بلکه در عوض، ابتدا پادشاهی و عدالت او را بجوید و اینکه خداوند وسایل ما را فراهم خواهد کرد.

و بنابراین من فکر می‌کنم که قطعاً این امکان وجود دارد؛ نمی‌توانم با قطعیت این را بگویم، اما مطمئناً این امکان وجود دارد که خود پولس از آموزه‌های خاص عیسی در مورد این موضوع خاص آگاه بوده باشد. اما در هر صورت، پولس می‌گوید از هیچ چیز نگران نباشید. و من فکر می‌کنم برای بسیاری از ما به عنوان مسیحی، این یکی از سخت‌ترین دستوراتی است که باید واقعاً از آن اطاعت کنیم.

درست است؟ اینکه ما می‌توانیم در مورد چیزهای مختلف نگران باشیم. و بنابراین توجه کنید که پولس در مورد شرایط می‌گوید، درست است؟ در هر چیزی با دعا و تضرع همراه با شکرگزاری، درخواست‌های خود را به خدا ابراز کنید. و این در واقع یک تسلی است.

چون فکر می‌کنم این به ما کمک می‌کند تا ببینیم هیچ چیز آنقدر کوچک نیست که نتوانیم آن را به حضور خداوند ببریم. اینکه ممکن است وسوسه شویم و فکر کنیم، خوب، واقعاً احمقانه است که من در مورد این موضوع نگران باشم، و خدا مسائل بسیار بزرگتری برای حل کردن دارد، مثل درگیری‌ها و جنگ‌ها و ملت‌های بزرگ و از این قبیل چیزها. و چه چیز کوچکی هست که من حتی او را با آن اذیت کنم و باعث اضطرابم شود؟

اما دوباره توجه کنید، اینجا یک جفت وجود دارد، درست است؟ نگران هیچ چیز نباشید، بلکه در هر چیزی با دعا و تضرع همراه با شکرگزاری، درخواست‌های خود را به خدا ابراز کنید. این کل دامنه است. این کل طیف چیزها است.

و بنابراین، ما از چه طریقی می‌توانیم به اضطراب‌هایمان رسیدگی کنیم؟ این دو ابزار دعا و تضرع هستند. شاید از خود بپرسید که چرا پولس از این دو اصطلاح استفاده می‌کند؟ آیا تفاوتی بین آنها وجود دارد؟ و اگر واقعاً تفاوتی وجود داشته باشد، این است که اصطلاح اول یک اصطلاح کلی‌تر، یعنی دعا، است. و تضرع به طور خاص‌تر، درخواست چیزها از خداوند است.

و بنابراین این وسیله‌ای است که پولس ما را به مبارزه با قلب‌های مضطربمان هدایت می‌کند. و سپس او در ادامه به ما نگرش، دیدگاهی را می‌دهد که باید هنگام دعا به آن دست یابیم. و او می‌گوید با شکرگزاری، با شکرگزاری، با قدرانی

و من فکر می‌کنم که آن شکرگزاری ریشه در این اطمینان دارد که خداوند دعا‌های ما را خواهد شنید و او پدری وفادار برای ماست و به آنها پاسخ خواهد داد. شاید نه به روشی که انتظار داریم، شاید نه در زمانی که انتظار داریم، اما ما با قدردانی و شکرگزاری به خاطر اینکه او کیست و چه کاری برای ما انجام داده است، و همچنین با اطمینان به اینکه او در واقع به دعا‌های ما پاسخ خواهد داد، به خدا نزدیک می‌شویم. و من می‌خواهم یک دقیقه در اینجا درنگ کنم زیرا فکر می‌کنم گاهی اوقات تمایل ما این است که وقتی با افکار اضطراب‌آور یا چیزهایی که باعث استرس یا نگرانی ما می‌شوند روبرو می‌شویم، به راه‌های دیگری برویم تا سعی کنیم آن اضطراب را برطرف کنیم.

می‌دانید، ممکن است سعی کنیم خودمان را با چیزی سرگرم کنیم؛ ممکن است با دیگران صحبت کنیم، و اینطور نیست که این چیزها ذاتاً همیشه بد باشند، اما فکر می‌کنم گاهی اوقات در زندگی مسیحی می‌توانیم تمایل داشته باشیم که دعا را به عنوان آخرین راه حل به جای اولویت اول در نظر بگیریم. اینکه ما چیزهای زیادی را امتحان می‌کنیم و بعد به نوعی به پایان عقل خود می‌رسیم و بعد می‌گوییم، خب، فکر می‌کنم باید در مورد این موضوع دعا کنم، انگار دعا آخرین راه حلی است که در مواجهه با این چیزها داریم. و چیزی که به نظر می‌رسد پولس در اینجا می‌گوید این است که دعا باید اولویت اول باشد.

اینکه این نقطه شروع است وقتی که آن افکار مضطرب را پیدا می‌کنید، آن اضطراب در قلب و ذهن ما ریشه می‌دواند که اولین واکنش ما باید دعا باشد، و اجازه دهیم درخواست‌هایمان به خدا اعلام شود. بنابراین این پادزهر پولس برای اضطراب است، و من فقط می‌خواهم مکث کنم تا اذعان کنم که پولس نخواهد آمد؛ پولس نباید به این شکل ساده‌انگارانه درک شود، انگار، اوه، شما مضطرب هستید؟ اگر فقط کمی دعا کنید، آن اضطراب کاملاً ناپدید می‌شود. و دیگر هرگز برنمی‌گردد.

فکر می‌کنم همه ما از روی تجربه می‌دانیم که اینطور نیست. و بنابراین چیزی که اغلب لازم است این است که مرتباً به خداوند برگردیم، همانطور که آن افکار و احساسات اضطراب‌آور را در قلب و ذهن خود احساس می‌کنیم، که باید دائماً به او برگردیم. و احتمالاً باید واقع‌بین باشیم که این یک تجربه مداوم برای بسیاری از ما است.

اینکه این فقط یک راه حل ساده و موقت نیست، بلکه ما اغلب مجبور خواهیم بود که به طور مداوم در مورد چیزهایی که باعث اضطراب ما می‌شوند به خداوند رجوع کنیم. بنابراین پولس در اینجا ساده‌انگار نیست، بلکه او به یک تجربه کلیدی انسانی می‌پردازد. و من فکر می‌کنم ما به طور فزاینده‌ای در عصری مضطرب و مضطرب‌تر زندگی می‌کنیم.

و بنابراین فکر می‌کنم این چیزی است که باید هنگام پرداختن به آن به آن توجه کنیم. حال اگر به آیه ۷ نگاه کنید پولس نتیجه دعا را به ما نشان می‌دهد. او در آیه ۷ می‌گوید: «آرامش خدا که فراتر از همه عقل است، دل‌ها و ذهن‌های شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد».

و بنابراین فکر می‌کنم باید با دقت بررسی کنیم که منظور پولس از آرامش خدا چیست. منظور چیست؟ خب همانطور که در فصل ۱، در ابتدای نامه دیدیم، وقتی پولس از این کلمه در سلام‌هایش استفاده کرد، به نظر من این یک اختصار یک کلمه‌ای برای وضعیت حاصل از نجات اخروی خدا است. بنابراین شامل ایده‌های تمامیت و کامل بودن می‌شود. حالا ممکن است فکر کنید، خب، یک دقیقه صبر کنید.

چطور این موضوع اینجا جا می‌افتد؟ ما آرامش خدا را در زمان حال تجربه می‌کنیم، در حالی که منتظر تحقق کامل آن در روز آخر هستیم. و بنابراین فکر می‌کنم مهم است که در اینجا توجه داشته باشیم که اول و مهم‌تر از همه، وقتی پولس در مورد آرامش خدا صحبت می‌کند، در درجه اول در مورد این نوع حس ذهنی فقدان اضطراب یا فقدان عدم قطعیت یا صرفاً فقدان احساس ناراحتی صحبت نمی‌کند. این با این که مثلاً من فقط این آرامش را احساس می‌کنم، مثل این آرامش، یکی نیست.

فکر نمی‌کنم منظور پولس اینجا مستقیماً این باشد. بلکه واقعیت کار آشتی‌بخش خدا در تبدیل ما به عضوی از خانواده‌اش است، که این واقعیت به ما اعتماد به نفس می‌دهد تا حتی در مواجهه با عدم قطعیت یا آشفتگی عاطفی، به پیشروی ادامه دهیم. پس منظور همین است.

از کجا می‌آید؟ خدا. می‌گوید آرامش خدا، و برای کسانی که یونانی را به عنوان یک ساختار جنسیتی می‌شناسند، و البته این‌ها را می‌توان به روش‌های مختلفی درک کرد، اما من فکر می‌کنم ایده اینجا این است که منبع آرامش خود خداست که او دهنده آن است. چگونه است؟ پولس می‌گوید که از همه فهم‌ها فراتر می‌رود، که فراتر از درک ذهنی یک واقعیت است، اما بر کلیت ما تأثیر می‌گذارد، که فراتر از یک توافق ذهنی است، خب، من این مفهوم ذهنی را در ذهن خود از آرامش خدا دارم.

و چه می‌کند؟ قلب‌ها و ذهن‌های ما را در مسیح عیسی محافظت می‌کند. اینکه آرامش خدا مانند یک نگهبان، مانند یک نگهبان عمل می‌کند تا از قلب‌ها و ذهن‌های ما محافظت کند، و خیلی سریع از آن عبارت آخر، در مسیح عیسی عبور نکنیم. این دوباره یکی از عبارات مورد علاقه پولس است.

این زمینه، حوزه‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم، و همچنین زمینه و حوزه‌ای است که قلب و ذهن ما نیز در آن ساکن است. و بنابراین آرامش خدا از ما محافظت می‌کند؛ ما را در مسیح عیسی محافظت می‌کند. می‌خواهم فقط یک نکته کوتاه در مورد اینکه گاهی اوقات شاهد به کار بردن این آیه هستیم، بگویم؛ می‌خواهم در اینجا هشدار بدهم.

گاهی اوقات وقتی افراد با تصمیمی روبرو می‌شوند یا برای آن دعا می‌کنند یا با چیزی دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن به x یا y یا z است چیزی شبیه به این بگویند، خب، من در مورد آن آرامش ندارم، یا منتظرم خدا قبل از انجام آرامش بدهد. و من نمی‌گویم که این را کاملاً رد می‌کنم، اما می‌گویم که به نظر من کتاب مقدس هرگز این را به عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری بیان نمی‌کند. کتاب مقدس پیشنهاد نمی‌کند که خب، تا زمانی که این آرامش یا این حس آرامش یا این حس آرامش و اطمینان خاطر را ندارید، کاری انجام ندهید. تصمیمات زیادی وجود دارد که باید در زندگی بگیریم که در آنها قرار نیست در مورد آن آرامش داشته باشیم، و ما به سادگی بهترین تصمیمی را که می‌توانیم بر اساس کلام خدا، حکمت خدا که به ما برای دیگران توصیه کرده است، می‌گیریم، و هنوز هم ممکن است هنگام قدم گذاشتن به سمت انجام کاری که معتقدیم خدا ما را به انجام آن فراخوانده است، دل آشوبه و احساسات و افکار اضطراب‌آوری داشته باشیم.

و بنابراین می‌خواهم در استفاده از این معیارها نیز محتاط باشم. تا زمانی که این حس آرامش درونی را در مورد تصمیمی که باید بگیرم، نداشته باشم، نمی‌توانم به جلو حرکت کنم. فکر می‌کنم آرامش خدا کمی متفاوت از آن عمل می‌کند، و بنابراین گاهی اوقات ممکن است تصمیم بگیرید که آن را بدهید، جایی که می‌دانید، در حال دست و پنجه نرم کردن با تصمیم هستید و فکر می‌کنید، باشه، فکر می‌کنم این راهی است که خداوند از من می‌خواهد.

و آن عمل گرفتن آن تصمیم، حس آرامش، اعتماد به نفس و راحتی را به همراه دارد، اما همیشه اینطور نیست. مواقعی هست که می‌دانم خدا از من چه می‌خواهد، اما هنوز در مورد آن آرامش ندارم. در مورد آن آشفتگی درونی دارم، زیرا ممکن است در موقعیت سختی قرار بگیرم، یا ممکن است چیزی باشد که با پیروی از آنچه خداوند دارد، مرا ناراحت کند.

«پس فقط مراقب باشید که چگونه در مورد این ایده صلح خدا فکر می‌کنیم. سپس در آیه ۸، پولس از یک «در نهایت دیگر استفاده می‌کند، و شما فکر می‌کنید، آیا او واقعاً قرار است به انتهای نامه در اینجا برسد؟ یک «در نهایت دیگر او می‌گوید، در نهایت، برادران، هر آنچه حقیقت است، هر آنچه شریف است، هر آنچه عادلانه است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست‌داشتنی است، هر آنچه ستودنی است، اگر فضیلتی وجود دارد، اگر چیزی شایسته ستایش است، در مورد این چیزها فکر کنید».

بنابراین آنچه پولس در اینجا بر آن تأکید می‌کند، نیاز به هدایت افکار ماست. و بنابراین او این فهرست را ارائه می‌دهد این فهرست سریع از چیزهای واقعی، شریف، عادلانه، خالص، دوست‌داشتنی، ستودنی، عالی، شایسته ستایش، و ایده اینجا این است که پولس می‌گوید، اینها چیزهایی هستند که باید در مورد آنها تأمل کنید، در مورد آنها فکر کنید، ذهن خود را به سمت آنها هدایت کنید. به نظر من، گاهی اوقات خودمان را صرفاً نوعی گیرنده درمانده افکاری می‌دانیم که به ذهنمان خطور می‌کنند.

ما واقعاً نمی‌توانیم کاری در مورد افکارمان انجام دهیم. و اگرچه مطمئناً افکار می‌توانند بی‌دلیل به ذهن ما خطور کنند، و این چیزی است که واقعی است، پولس می‌گوید، ببینید، می‌توانید افکار خود را به روش‌های خاصی هدایت کنید.

بنابراین در پایان آیه ۸، او می‌گوید، در مورد این چیزها فکر کنید، آنها را در نظر بگیرید، در مورد آنها تأمل کنید، در مورد آنها تأمل کنید.

و بنابراین من فکر می‌کنم که این لیست، قرار نیست جامع باشد، اما قرار است نمونه‌ای از انواع چیزهایی که باید افکارمان را روی آنها متمرکز کنیم، ارائه دهد. و بنابراین، همانطور که در مورد این موضوع فکر می‌کنیم، می‌خواهم تأکید کنم که منظور پولس این نیست که این چیزهایی که به ذهن می‌آیند باید مستقیماً یا ذاتاً معنوی باشند. او نمی‌گوید اوه، وقتی به چیزی فکر می‌کنید که درست است، باید چیزی باشد که معنوی باشد، همانطور که ما معمولاً در مورد آن فکر می‌کنیم، یا حتی دوست‌داشتنی.

من فکر می‌کنم پولس در اینجا برداشت گسترده‌ای از این دارد که اشکالی ندارد، خوب است که افکارمان را به سمت چیزهایی که دوست‌داشتنی هستند، مانند چیزهایی در طبیعت، زیبایی خلقت خدا، هدایت کنیم. یا حتی اگر به چیزهایی فکر کنیم که عالی هستند، لازم نیست که آنها صرفاً چیزهای معنوی باشند. آنها می‌توانند چیزهایی باشند که در خلقت خدا می‌بینیم و ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند، که قابل توجه و حتی ستودنی هستند.

بنابراین باید مراقب باشیم که فکر نکنیم، اوه، ما باید آنقدر فوق روحانی باشیم که هر چیزی که در این دسته قرار می‌گیرد، صریحاً روحانی یا کتاب مقدسی باشد. من فکر می‌کنم پولس طیف گسترده‌ای از هدایت ذهن شما را به سمت این نوع چیزها مجاز می‌داند. و من فکر می‌کنم همانطور که در مورد چگونگی تمایل گناه به جای پای در قلب و ذهن و زندگی ما تأمل می‌کنیم، مرتباً از طریق بدن‌های فکری ما، افکاری به ذهن ما می‌آیند، اگر مراقب نباشیم که با آنها مبارزه کنیم، همانطور که پولس در جای دیگری می‌گوید، هر فکری را اسیر کنیم، در معرض خطر ریشه دواندن آن افکار و ثمره سمی گناه و فاجعه در زندگی خود هستیم.

بنابراین، این طرز فکری است که پولس اینجا به ما می‌دهد. اگرچه او از اصطلاح طرز فکری که در سراسر رساله فیلیپیان دیده‌ایم استفاده نمی‌کند، اما این تصویری اجمالی از آنچه او در اینجا نیز در ذهن دارد، ارائه می‌دهد. در نهایت، در اینجا در آیه ۹، فراخوان به عمل را داریم.

او با این جمله پایان می‌دهد: «آنچه در من آموخته‌اید و دریافت کرده‌اید و شنیده‌اید و دیده‌اید، این کارها را به کار بندید و خدای آرامش با شما خواهد بود.» بنابراین، ترکیب آموخته‌ها و دریافت‌شده‌ها بیشتر حس آموزش رسمی را دارد. این همان چیزی است که آنها موعظه‌ها و آموزه‌های پولس را شنیده‌اند، و همچنین اصطلاح دریافت‌شده اغلب در زمینه انتقال سنت به دیگران استفاده می‌شود.

بنابراین، به نظر من، این بیشتر یک ایده رسمی از آنچه شما از طریق خدمت تعلیم و موعظه من آموخته و دریافت کرده‌اید، است. و سپس او آنچه را که شنیده و دیده‌اید اضافه می‌کند. حالا او روی این تمرکز می‌کند که شما در من چه چیزی مشاهده کرده‌اید؟ و البته این به آنچه او قبلاً در مورد معرفی خود و دیگران به عنوان نمونه‌هایی از طرز فکر مسیح‌گونه گفته بود، برمی‌گردد.

و بنابراین او این رشته‌ها را کنار هم می‌گذارد و می‌گوید، نگاه کن، در مورد چیزهایی که در زندگی من مشاهده کرده‌ای تأمل کن. و بعد دستور می‌دهد. این چیزها را تمرین کن.

آنها را تمرین کنید. به عبارت دیگر، آنها را عمداً به مرحله اجرا درآورید. ایده تمرین، تکرار این موارد را تداعی می‌کند.

یه کار نیست که بگیم یه بار انجامشون میدیم. بارها و بارها تکرار میشه. بهشون عمل کنید، و بعدش در آخر قولش رو میدید.

خدای آرامش با شما خواهد بود. پس متوجه شدید که چطور این عبارت را به نوعی تغییر داده است، درست است؟ پیش از این او در مورد آرامش خدا به عنوان چیزی که از قلب و ذهن ما محافظت می‌کند صحبت کرد. و حالا می‌گوید خدای آرامش با شما خواهد بود.

بنابراین خدا کسی است که نه تنها صلح می‌دهد، بلکه او کسی است که از طریق پسرش، عیسی مسیح، صلح را با ما برقرار کرده است. بنابراین، یک سری دستورات سریع، نصایح نهایی، وجود دارد که پولس هنگام جمع‌بندی نامه ارائه

می‌دهد. بیایید از این توالی سریع فاصله بگیریم و بررسییم، ایده اصلی این متن چیست؟ و من قصد دارم آن را در چارچوب یک سوال مطرح کنم.

فکر می‌کنم می‌توانیم آن را اینگونه خلاصه کنیم، چگونه می‌توانم انجیل را روزانه به کار ببرم؟ و فکر می‌کنم پولس در این متن سه راه را به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانیم انجیل را به کار ببریم. اولین راه تمرکز بر خداوند است. به جای تمرکز بر خودمان، بر خداوند تمرکز کنیم.

کاری نیست که مثلاً صبح‌ها وقتی از خواب بیدار می‌شویم یا عصرها وقتی آماده خواب می‌شویم یا درست وقتی که می‌خواهیم غذا بخوریم انجام می‌دهیم. دعا باید یک گفتگوی مداوم، یک مکالمه با خداوند باشد.

و در آخر، از الگوهای درست پیروی کنید. پس بر خداوند تمرکز کنید، در مورد همه چیز دعا کنید و از الگوهای درست پیروی کنید. بیایید اکنون که به انتهای این متن با استفاده از چهار حوزه خود می‌رسیم، کمی در مورد کاربرد آن فکر کنیم.

- بیایید با این شروع کنیم: خدا می‌خواهد ما به چه چیزی فکر کنیم؟ حوزه‌ای که من برای تمرکز روی آن انتخاب کردم حوزه‌های زیادی در اینجا وجود دارد - این است که ما باید زندگی فکری خود را هدایت کنیم. اینکه ما باید در مورد متمرکز کردن ذهن خود بر روی چیزها عمده باشیم، نه اینکه فقط اجازه دهیم افکار آزادانه، بدون چالش و ارزیابی، در ذهن ما شناور شوند. دوم، ایمان داشته باشید.

تمام درخواست‌های ما را در دعا بشنود. او مشتاق ماست؛ او از اینکه ما درخواست‌هایمان را با او در میان بگذاریم و آنها را با او در میان بگذاریم، لذت می‌برد. اینطور نیست که او از قبل آنها را نداند.

خدا دانای کل است؛ او همه چیز را می‌داند. و بنابراین به این معنا نیست که، خب، اگر به او نگوئید، خدا نخواهد دانست. او از قبل می‌داند؛ او از قبل بهتر از ما می‌داند که به چه چیزی نیاز داریم.

اما این فرصتی است برای ما تا با خدای جهان هستی ارتباط برقرار کنیم و به او متصل شویم، و او می‌خواهد درخواست‌های ما را بشنود. سوم، آرزو یا احساس. من فکر می‌کنم ما باید امنیت و ثباتی را که از آرامش خدا ناشی می‌شود، آرزو یا احساس کنیم.

در فرهنگ ما، ما معمولاً مردمی مضطرب هستیم و دائماً با پیام‌هایی در مورد آخرین بحران یا آخرین چیزی که قرار است ما را نگران کند، بمباران می‌شویم. و یکی از راه‌هایی که ما به عنوان مسیحی می‌توانیم متمایز شویم، این است که با آرامش خدا مشخص شویم، با واکنش نشان ندادن و دائماً فکر نکردن به اینکه "آه، آسمان در حال سقوط است جهان به پایان می‌رسد، همه چیز فرو خواهد ریخت." البته، ما باید از آنچه در دنیای ما می‌گذرد آگاه باشیم، اما حتی وقتی آن را تجربه می‌کنیم، با ثبات و امنیتی که از آرامش خدا ناشی می‌شود، مشخص شویم.

و در آخر، انجامش بده. این تمرینی است که خودم انجام داده‌ام و فکر می‌کنم می‌تواند مفید باشد. برای آن لیست در فیلیپیان ۴.۸، برای هر ویژگی که به ذهنتان می‌رسد، یک مورد خاص را مشخص کنید.

بنابراین وقتی کلمه حقیقت را می‌شنوید، چه چیزی به ذهنتان خطور می‌کند؟ یا محترم؟ یا دوست‌داشتنی؟ یا هر چیز عالی یا شایسته ستایش؟ حداقل به یک چیز فکر کنید که می‌توانید ذهن خود را به عنوان راهی آگاهانه برای عملی کردن آن هدایت کنید. بنابراین اینها آخرین توصیه‌های انجیل بودند. در جلسه بعدی و پایانی خود در فیلیپیان، خواهیم دید که چگونه پولس نامه را با ابراز قدردانی از هدیه فیلیپیان به پایان می‌رساند و دروهای پایانی را به کلیسای فیلیپی می‌فرستد.

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در مجموعه مقالات فیلیپیان. در انجیل عیسی مسیح شاد باشید. این جلسه ۱۲، نصایح پایانی در انجیل - فیلیپیان ۴: ۱-۹ است.